

## فرهنگ ۱۲ نسبت‌اتاریخی

#### اول روایت

ویژگی‌های شخصیتی بهشتی

## نظم آهنین تقید به دین

گفت‌وگویی که در این صفحه خواهید خواند با حسین مهدیان از هم‌زمان دکتر بهشتی است؛ منتها بهتر است ابتدا بدانیم بهشتی در آینه مهدیان چگونه تصویری دارد.
مهدیان می‌گوید نکات برجسته‌ای از شخصیت دکتر بهشتی در ذهن او مانده:

#### ۱) فهمیدن دردك‌کردن و خدمت‌به‌مردم:

ایشان می‌گفتند من عاشق فلسفه هستم، ولی عشق خدمت به اسلام و به مردم، مرا از این عشق بازداشته است! ایشان حقیقتا انسان متفکری بودند و سعی می‌کردند اسلام و مسائل را همان‌گونه که هستند درك کنند، نه از روی حب و بغض‌های شخصی. ایشان در واقع خود را به اسلام و قرآن عرضه کرده بودند و نه برعکس، یعنی کاری که اغلب ما می‌کنیم! همواره می‌گفتند: در عرصه دفاع از اسلام، اسیر هیچ قید و بند و عنوانی نیستم و اگر لازم باشد، حتی لباس روحانیت را از تنم بیرون می‌آورم و با لباس شخصی می‌ایستم و دفاع می‌کنم! ایشان این شیوه را در اروپا هم دنبال کردند و در آنجا حتی اگر در رستوران یا کلیسا از ایشان دعوت می‌شد، می‌رفتند و درباره مباحث اسلامی صحبت و بحث می‌کردند.

#### ۲) تقید بسیار به شاعر دینی:

نماز سروقت شهید بهشتی در هیچ شرایطی به تاخیر نمی‌افتاد و به محض این‌که اذان می‌دادند، حتی اگر وسط جلسه مهمی هم بودند، نماز را به ادامه جلسه مقدم می‌دانستند. ایشان حتی جلسات اضطراری شورای انقلاب را هم به وقت نماز تعطیل می‌کردند.

#### ۳) نظم آهنین:

ایشان يك دفتر كوچك جیبی داشتند که قرارهایشان را دقیق در آن می‌نوشتند و حتی روی دقایق حساب می‌کردند. اگر کسی با ایشان قرار ملاقات داشت و دیر می‌رسید، هر بهانه‌ای هم که می‌آورد ایشان قبول نمی‌کردند و می‌گفتند باید سروقت می‌آمدید!

#### ۴) قدرت مدیریت:

اوج این قدرت مدیریت را همگان در اداره مجلس تدوین قانون اساسی مشاهده کردند. ایشان به قدری در امر مدیریت مهارت داشت که کافی بود دقایقی در مجلسی بنشیند، به خودی خود اداره مجلس به عهده ایشان قرار می‌گرفت. هرچا که مشفدی پیش می‌آمد با تدبیر و هوشمندی و نظم عجیبی، حل آن را به عهده می‌گرفتند و تا به راه حل مناسبی نمی‌رسیدند، دست برنمی‌داشتند و پیگیری می‌کردند. از جمله مواردی که حضور ایشان تأثیر بسیار فراوانی داشت، شکسته شدن اعتصاب اهالی مطبوعات در آستانه پیروزی انقلاب بود. شب قبل از فردای روزی که قرار بود اعتصاب شکسته شود تا مردم در جریان اخبار انقلاب قرار گیرند، در منزل ما جلسه‌ای با شرکت اعضای شورای انقلاب ازجمله شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید مفتح و مرحوم آقای فلسفی برگزار شد. جلسه‌ای بسیار طولانی با ارباب جراید بود تا آنها در جریان مبانی فکری انقلاب و رهبران آن قرار گیرند. در آن جلسه شهید بهشتی مبانی نظری انقلاب و نظام آینده را تشریح کردند. همراهی ارباب جراید با انقلاب، تا حد زیادی مرهون روشنگری‌های این بزرگوار است.



#### نسبت‌اتاریخی این بار با دکتر شهید بهشتی

اگر از دنبال‌کنندگان صفحه «نسبت‌اتاریخی» جام‌چم باشید، لابد می‌دانید که در این صفحه هر بار، محمدرضا کائینی که پژوهشگر تاریخ است روبه‌روی شخصیتی می‌نشینند و از او نه لزوماً درباره خودش، بلکه در رابطه با شخص ثالثی می‌پرسد. کائینی در واقع، با اتخاذ این روش می‌خواهد زاویه دیدی فراتر از آنچه را مرسوم

است، پیش روی ما قرار دهد.

در این گفت‌وگوها، او پرسش‌هایی را که عموماً در رابطه با سوژه مورد نظر مطرح است با گفت‌وگو‌شونده مطرح می‌کند و پاسخ‌های او و گفت‌وگو‌شونده را به حفره‌هایی کمتر کشف‌شده از دل تاریخ سوق می‌دهند.

### نکته‌ها و خاطره‌هایی از سیره اجتماعی شهید آیت... دکتر سید محمد بهشتی در گفت‌وشنود با حسین مهدیان

# بهشتی، بنی‌صدر را زودتر از همه شناخت



محمدرضا کائینی

جام‌چم

🔖 **باتوجه به نزدیک شدن به سالگرد فاجعه هفتم تیر/نیز با عنایت به این‌که مدت زیادی از سالگرد درگذشت دکتر علی شریعتی نمی‌گذرد؛از آنجا که شما با هر دو شخصیت شاخص این دو واقعه، یعنی شهید آیت... دکتر بهشتی و دکتر شریعتی آشنایی و معاشرت داشتید، قبل از شروع بحث بد نیست درباره دیدگاه شهید بهشتی در مورد دکتر شریعتی بگویید و نیز تحلیل خودتان را از آثار و شخصیت وی بیان کنید؟**

شهید بهشتی، اساسا انسان متعادل و منطقی و مدبری بودند، لذا از هرگونه افراط و تفریطی پرهیز می‌کردند. یادم هست ساواک پس از این‌که دکتر شریعتی را بازداشت کرد، برای بدنام کردن او سلسله‌مقالاتی را به قلم وی در روزنامه کیهان چاپ کرد. این کار شمارگان کیهان را خیلی بالا برد، ولی مبارزان را به دکتر شریعتی بدبین کرد.

يك روز شهید بهشتی به منزل ما آمده بودند و افرادی که در جلسه بودند، از ایشان درباره محتوای مقالات دکتر شریعتی که در کیهان چاپ شده بودند، سؤال کردند. شهید بهشتی به جای پاسخ به این سوال به نقل يك قصه تاریخی پرداختند و گفتند: «يك روز ابودر عده‌ای را جمع کرد تا برایشان صحبت کنند. برای همه جالب بود که ابودر چه حرف جدیدی برایشان دارد. وقتی همه جمع شدند، او به جای سخنرانی شهادتین گفت، معلوم شد آن‌قدر درباره‌اش تبلیغات گسترده و عجیب و غریبی کرده بودند که او ترجیح می‌داد به جای هر صحبتی با گفتن شهادتین، ابتدا مسلمان بودن

خود را اثبات کند!» این سخن شهید بهشتی تمام حقایق را درباره دکتر شریعتی روشن کرد. او واقعا از سوی جناح‌های خودی و غیرخودی زیر فشار بود و ظاهراً قبل از هر سخنی باید مسلمانی خود را اثبات می‌کرد!

مورد دیگر به دوران پس از پیروزی انقلاب مربوط است. در آن دوره، روزی از سوی حزب جمهوری به اتفاق شهید بهشتی برای دیدن خانواده مرحوم شریعتی رفتیم. ایشان در بین راه گفتند: «دکتر شریعتی در این حرکت و انقلاب سهم بسیار

را داشت.

🔖 **ظاهراً آخرین نکته درباره این مطلب را هم به شما گفته بود؟**

استاد محمدرضا حکیمی به من گفته بودند که: هر وقت دکتر به منزل شما آمد، مرا خبر کنید. يك شب که دکتر به منزل ما آمده بود، بدون این‌که به او حرفی بزنم، آقای حکیمی را هم دعوت کردم. بحث و صحبت آنها تا دیروقت طول کشید. دکتر شریعتی زمانی‌که می‌خواست برود، يك پاکت را که حاوی نامه‌ای بود، به آقای حکیمی داد. این نامه از قبل تهیه شده بود. من نسخه‌ای از آن را دارم. دکتر شریعتی ضمن تجلیل از آقای حکیمی، از ایشان خواسته بود که همه نوارها و کتاب‌هایشان را مورد بازبینی قرار دهند و هرجا را که لازم دانستند، اصلاح کنند. استاد حکیمی بعد از از من پرسیدند: «مگر ایشان از آمدن من خبر داشت؟» گفتم: «خیر، من به ایشان حرفی نزده بودم!» هر دو واقعا از آن نامه‌که در واقع نوعی وصیت‌نامه محسوب می‌شد، حیرت کرده بودیم.

بعد از فوت دکتر شریعتی قرار بود به وصیت ایشان عمل کنیم. به همین دلیل تمام آثار ایشان را در دفتر نشر فرهنگ اسلامی در خیابان فردوسی جمع کردیم تا با حضور همسر ایشان به بازبینی این آثار و اصلاح آنان بپردازیم، ولی هنوز يك ماه نگذشته بود که کتاب‌های دکتر بدون بازبینی و حك و اصلاح، در تیراز بالایی چاپ و منتشر شده! همسر دکتر معتقد بود که این بازبینی بسیار طولانی می‌شود، درحالی‌که مشتاقان دکتر می‌خواهند هر چه زودتر آثار او را بخوانند. در هر حال هرگز به وصیت دکتر شریعتی عمل نشد. بعدها هم شخصیت‌اواز سوی مخالفان بی‌انصاف و طرفداران بی‌بصیرت مورد تحریف قرار گرفت. به اعتقاد بنده هر دو طرف به ایشان ظلم کردند.

#### 🔖 بهشتی را از کجا شناختم

حسین مهدیان درباره این‌که از کی و چگونه با شهید آیت... بهشتی آشنا شده و این آشنایی در طول مبارزات چگونه ادامه پیدا کرده به جام‌چم می‌گوید: «بنده در بدو امر، در جلساتی که به شکل سیار در منازل تشکیل می‌شد و در آنها

## بهشتی و تهمت‌ها

🔖 **یکی از تهمت‌هایی که به شهید بهشتی می‌زدند، سرمایه‌دار بودن**

**ایشان بود. برخورد ایشان با تهمت‌ها و شایعه‌ها چه بود؟**

يك روز موقع ناهار در شورای عالی قضایی خدمتشان رفتم و دیدم ناهارشان يك ظرف ماست است و کمی نان ادر حالی‌که همه جا شایع کرده بودند ایشان زندگی تجملاتی دارند. دشمن خوب می‌دانست پس از امام، شهید بهشتی مهم‌ترین شخصیتی است که قدرت اداره کشور را دارد، لذا همه‌توان خود را صرف تخریب چهره ایشان کرد. شهید بهشتی اساسا تحت تأثیر تایید و تکذیب قرار نمی‌گرفت و وظایف خود را فارغ از هر سخنی انجام می‌داد. این نوع تهمت‌ها را بنی‌صدر و منافقین می‌ساختند و منتشر می‌کردند. اما ایشان به‌رغم همه شایعات مثل کوه ایستاده بود و حتی يك بار واکنش نشان نداد. هر وقت هم می‌پرسیدیم وظیفه ما در مقابل این توفان شایعات و

این بار او برای این‌که آینه‌ای برابر شهید دکتر بهشتی قرار بدهد، روبه‌روی حسین مهدیان، از دوستان و هم‌زمان بهشتی نشست‌ه است. در گفت‌وگوی او با مهدیان، پای خیلی‌ها و سسط می‌آید؛ از دکتر شریعتی و امام خمینی (ره) گرفته تا بنی‌صدر و شهید مطهری.

#### بهشتی و خانواده

#### 🔖 به‌اضافه این‌که



🔖 **گفته می‌شود ایشان روزهای جمعه را صرفا به خانواده اختصاص داده بودند و اجازه نمی‌دادند هیچ برنامه دیگری این نظم را به هم بریزد. همین‌طور است؟**

همین‌طور است. من شخصا بارها شاهد بودم که اگر کسی می‌خواست در روزهای جمعه یا تعطیل برای کاری هر چند هم که مهم بود، نذایشان برود، ایشان قاطعانه می‌گفتند که: جمعه‌ها متعلق به خانواده است... و نمی‌پذیرفتند.

آغاز کرد.

ایشان مدت‌ها تلاش کردند و موفق نشدند تا سرانجام آقای برخی از اعضای دفتر نشر فرهنگ اسلامی - که با وزیر آموزش و پرورش وقت رابطه داشت - سرانجام توانست مسئولان وزارت آموزش و پرورش را متقاعد کنند تدوین کتاب‌های دینی را - که متضمن يك سلسله مباحث اخلاقی خواهد بود- به شهید بهشتی و شهید باهنر بسپارند. يك روز من و شهید باهنر در دفتر نشر فرهنگ اسلامی نشست‌ه بودیم که شهید بهشتی با خوشحالی آمدند و گفتند: از امروز ده میلیون مخاطب نوجوان و جوان پیدا کرده‌ایم و می‌توانیم آنها را آموزش بدهیم!

ایشان با هوشمندی و ذکاوت خاصی، باورهای صحیح دینی را در کتاب‌های دینی مطرح کردند و به این ترتیب زمینه‌های فکری انقلاب را در میان دانش‌آموزان فراهم آوردند. البته افراد دیگری هم به نشر افکار اسلامی می‌پرداختند، از جمله مجله «مکتب اسلام» که مخاطبان زیادی هم داشت، ولی هیچ اقدامی نمی‌توانست به اندازه فعالیت در آموزش و پرورش موثر باشد.

مدرسه رفاه هم در جهت تربیت نسل نوجوان به این ترتیب زمینه‌های فکری انقلاب را در میان دوستان تاسیس شد تا در پوشش فعالیت‌های آموزشی، به فعالیت‌های سیاسی ادامه دهند. در هیات امنای این مدرسه عده‌ای از مبارزان از جمله شهید رجایی، شهید باهنر و مرحوم هاشمی رفسنجانی حضور داشتند و بنده هم عضو کوچکی از این مجموعه بودم. اغلب افراد متدین و مبارزان فرزندان خود را به این مدرسه می‌آوردند و بین اولیای مدرسه و والدین هماهنگی تام و تمامی وجود داشت. سطح آموزشی و خدماتی که در این مدرسه ارائه می‌شد، بسیار بالا بود و به همین دلیل بارها به عنوان مدرسه نمونه انتخاب شد.

شب‌های دوشنبه جلسات هیات امنای مدرسه در خود مدرسه برگزار می‌شد. ساواک به‌تدریج متوجه شد مدرسه رفاه، صرفا يك محیط آموزشی معمولی نیست و در واقع در آنجا تحت لوای آموزش، فعالیت‌های سیاسی انجام می‌شود. به همین دلیل مدیران و عده‌ای از دانش‌آموزان را دستگیر کرد و آنان را مورد آزار و بازجویی قرار داد.

شهید بهشتی در مدرسه رفاه هم، به شکلی دقیق برنامه‌ریزی و آینده‌نگری می‌کردند. از جمله این‌که برای والدین بچه‌ها، جلسات تیرگزار می‌کردند و می‌گفتند: اگر ما خانواده‌ها را همراه نکنیم، فعالیت‌هایمان در خانه‌ها خنثی خواهد شد و عملا به اهداف خود نمی‌رسیم. 📌